بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم

اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

 اَلسَّلامُ عَلَى الْمَهْدِیِّ الَّذی وَعَدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الاُمَمَ اَنْ یَجْمَعَ بِهِ الْکَلِمَ، وَیَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ، وَ یَمْلاَ بِهِ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، وَیُمَکِّنَ لَهُ وَیُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنینَ

هفتۀ پیش مواعظی از امام امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه ذکر شده یه جمله ای از اون مواعظ هفتۀ پیش عرض شد و اون اینکه مردی آمده از امام تقاضای موعظه کرده ایشان این جملۀ اول را فرمودند لَا تَکُن مِمَّنْ یَرجُو الآخِرَةِ بِغَیرِ عَمَلٍ[[1]](#footnote-1) فرمود که مراقب باش از این تیپ مردم نباشی.اون کسانی که بقول خودشان طالب آخرتند ولی بدون اینکه عملی از خود نشان بدهند این رجاء نیست این خیال کرده یَرجُو الآخِرَةِ این رجاء نیست آرزویی ست آرزوی سفیهانه است درست مانند همون آدمی که زمین را شخم نزده بذر افشانی نکرده و بقول خود میگه من امیدوارم که خدایی از این زمین گندم فراوان به من بدهد خب این آرزوست رجاء نیست امید نیست آرزوست.آرزوست که تحقق پیدا نمی‌کند. عالم نظامی دارد اسباب و وسایل باید در کار باشد که به نتیجه برسد و خواستند بفهمانند که مقصد اصلی از خلقت ما آخرته.اصلا ما را برای رسیدن به آخرت به این دنیا آورده اند اینجا گذرگاه است ما رهگذریم تا به مقصد نرسیده ایم که تمام نشده هدف خلقت ما. ما را برای لقاء خدا خلق کرده اند با کمال صراحت فرمود یَا أیُّهَا الإنسَانُ إنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبِّکَ کَدحًا فَمُلَاقِیهِ[[2]](#footnote-2) اینو بدان که تو بار سفر بسته ای تا به لقاء خدا برسی گذرگاهه. درست مانند بچه ای که در رحم مادر هست رحم مادر برای او اقامتگاه نیست بچه برای اونجا خلق نشده برای اینجا خلق شده اونجا گذرگاه است ما گذرگاه ها فراوان داشته ایم منتهی نزدیکترین گذرگاه ها رحم مادر است. ما از خاک حرکت کرده ایم بقول اون شاعر هم

از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم

مردم از حیوانی و آدم شدم

جماد منزل ما بود نباتات منزل ما بود عالم حیوان منزل ما بود تا به اینجا رسیده ایم اینجا هم منزل دیگه ایست برای ما.در رحم مادر مجهز کرده اند ما را به جهازاتی که مال اونجا نبود مال اینجاست برای اینکه اونجا به ما چشم و گوش دادند دست و پا دادند ریه و کلیه و کبد دادند هیچکدام از اینها مال اونجا نیست به درد رحم مادر نمیخورد مال اونجا نیست اگر اون جنین درک داشت می‌شود اعتراض کنه بگه به چه دردم میخوره اینها من به دست محتاج نیستم به پا محتاج نیستم ریه و کلیه و کبد محتاج نیستم اینجا یک وجب جا می‌خواهم و چند قطره خون غیره این نمی‌خواهم اینها زیادیه منتهی خودش درک ندارد که بفهمد قبول کند یا اعتراض کند اگر فرضا درک داشت میشد اعتراض کند که اینها به درد ما نمیخوره برای چی میدی؟بهش گفته اند نه مال اینجا نیست تو مال اینجا نیستی اینجا اقامتگاه تو نیست که اینجا گذرگاه است در گذرگاه مجهز می‌کنند تا در اقامتگاه از اونها استفاده کند ولذا وقتی به دنیا آمد فهمید نه خیلی لازم بوده اگر بی دست می‌آمد بی پا می‌آمد بی چشم و گوش می‌آمد چه بدبختی داشت اونجا نمی‌فهمید که فایدۀ اینها چیه اینجا فهمیده یکی از اینها اگر نیاورده بود از عالم رحم چه بدبختی داشت.حالا به همین کیفیت ما هستیم ما در گذرگاهی هستیم رهگذری هستیم که ما را مجهز می‌کنند با دستورات آسمانی برای اون عالم مجهز می‌کنند به درد اینجا نمی‌خورد مثلا به ما گفته شده شما نماز بخوانید با این کیفیت قیامی رکوعی سجودی روزه ای مناسک حجی رمی جمراتی سعی صفا و مروه اینها به چه درد میخوره اینها؟اگه اقامتگاه اینجا باشه به درد ما نمیخوره اینها این کارها یعنی چی؟خم بشو راست بشود رکوع کن سجده کن اونجا رمی جمرات کن و به درد ما نمیخوره ولذا می‌شود در دنیا بدون اونها زندگی کرد خب کفار زندگی می‌کنند بدون اینها نه نماز دارند نه روزه دارند نه خمس و زکات دارند نه حج دارند زندگی می‌کنند دیگه.زندگی اینجا نیازی به اینها نداره که کسی نماز نخواند روزه نگیرد خمس و زکات ندهد حج نرود که نمیشه زندگی کند اینجور نیست کفار زندگی مرفه هم دارند زندگی می‌کنند اینها اون رو هم ندارند پس معلوم میشه که این مال اونجا نیست اینجا اقامتگاه نیست اونی که خیال کردند اقامتگاه است اعتراض می‌کنند نماز یعنی چه روزه یعنی چه حج یعنی چه اینها یعنی چه به چه درد می‌خورند؟اونها حق دارند اگر اقامتگاه اینجا باشه حق با اونهاست که این دستورات به چه درد ما میخوره؟ولی ما که فهمیده ایم اینجا اقامتگاه نیست اینجا گذرگاه ماست ما در گذرگاه مجهز میشیم به جهازات عالم بعد که اقامتگاه است بچه در رحم مادر مجهز شد به جهازاتی که به درد اونجا نمیخورد اینجا فهمید که به درد میخوره ما هم فرمود مجهز میشیم ولی نمی‌فهمیم که این رکوع ما این سجدۀ ما این قیام ما چه آثاری بعد خواهد داشت نمی‌فهمیم رمی جمرات سعی بین صفا و مروه چه اثری دارد حالا نمی‌فهمیم خب بچه هم نمی‌فهمید در عالم رحم خب ما همینجوریم ما هم در این دنیا نمی‌فهمیم که اینها چه اثری دارد؟ اگر اقامتگاه بود اینها لغو بود این دستورها لغو بود به درد نمیخورد اما چون گذرگاه است اقامتگاه نیست باید مجهز بشویم تا به اونجا برسیم که اونجا می‌فهمیم که اگر نبود اینها چه بدبختی ها داشتیم. اگر رکوع ما نبود اگر سجدۀ ما نبود اگر رمی جمرات نبود چه بدبختی ها داشتیم اونجا می‌فهمیم.الان نمی‌فهمیم ولذا مولای ما فرمود فَلیَکْفِکُم مِنَ العِیَانِ السَّمَاعُ [[3]](#footnote-3)1 فعلا همین شنیدن از ما اکتفا کنید نمیشه ببینید اینجا جای دیدن اون مطالب نیست نمی‌توانید بفهمید که بعد از مرگ چه عالمی ست و چه غوغایی ست چه میشود کرد اینو نمی‌فهمید

پس فعلا از من بشنوید فَلیَکْفِکُم مِنَ العِیَانِ السَّمَاعُ فعلا دیدنی نیست قرآن هم میگه که وَ إِذَا رَأَیتَ ثَمَّ رَأَیتَ نَعِیمًا وَ مُلکًا کَبِیرًا[[4]](#footnote-4)1 میگه اینجا نمی‌شود اون چه را که اونجا هست شما ببینید. باید رؤیت قیامتی پیدا کنید چشم قیامتی پیدا کنید اونوقت مدرکات قیامتی را درک می‌کنید این رؤیت مال اینجاست این چشم سر برای این در و دیوار و خانه و زمین و آسمانه قیامت رؤیتی دارد بعد اونجا برسید رو قیامت شو و قیامت را ببین. پس یَا أیُّهَا الإنسَانُ إنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبِّکَ کَدحًا فَمُلَاقِیهِ[[5]](#footnote-5)2 مولای ما اما فرمود که أیُّهَا النَّاسُ إنَّمَا الدُّنیا دَارُ مَجَازٍ وَ الآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِن مَمَرِّکُم لِمَقَرِّکُم[[6]](#footnote-6)3 ای مردم دنیا گذرگاه است آخرت اقامتگاه است از گذرگاهتان توشه بردارید برای اقامتگاهتان.دیگه از این روشنتر نمیشه حرف زد أیُّهَا النَّاسُ إنَّمَا الدُّنیا دَارُ مَجَازٍ وَ الآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِن مَمَرِّکُم لِمَقَرِّکُم ولذا وقتی هم که کل زندگی شان این بود حاکم بود حکومته در یک مملکت پهناوری داشت ابن غفله مردی آمد خدمت ایشان توو خانه اش دید هیچی توو خانه اش نیست توو خانه اش از خانۀ فقرا هم کمتر دارد اسباب ندارد گفت یا امیر المومنین بِیَدِکَ بیتُ المال[[7]](#footnote-7)4 بیت المال دست شماست از شما مردم میگیرند میخورند به قدر یک فقیر شما زندگی ندارید در خانۀ شما اونچه که مورد احتیاجه نیست وَ لَستُ أری فی بَیتِکَ شیئاً مِمّا یَحتاجُ إلیهِ البَیت؟ فرمود که یابن غَفلَةَ إنّ اللَّبیبَ لا یَتَأثَّثُ فی دارِ النُّقلَةِ فرمود که آدم عاقل در گذرگاه اسباب درست نمی‌کند گذرگاهه دیگه شما یک ده روز می‌خواهید مکه بمانید یک خانۀ مفصل و مجلل بسازید نمی‌کنید این کار را.می‌گویید ده روز اینجا هستم این عاقل إنّ اللَّبیبَ عاقل کمه دیگه اونی که لب دارد مغز دارد می‌فهمد إنّ اللَّبیبَ لا یَتَأثَّثُ فی دارِ النُّقلَةِ در گذرگاه که خانه نمی‌سازد در گذرگاه تجمل درست نمی‌کند که در گذرگاه دکور درست نمی‌کند وَ لَنا دارُ ما یه خانۀ دیگه داریم قد نَقَلنا إلیها خَیرَ مَتاعِنا بهترین چیز که داشته ایم اونجا فرستاده ایم وَ إنّا عَن قَلیلٍ إلیها صائرون به همین زودی ما هم می‌رویم به همین زودی ما هم به اونجا می‌رویم توی خانه ای که خودمان ساخته ایم بنشینیم چراغی که خودمان روشن کرده ایم ازش استفاده می‌کنیم منتهی اونجا لبیب می‌خواد عاقل می‌خواد که بفهمد این مطلب را. و الا یکی مقهور شهوات است و مجذوب دنیاست که چیزی نمی‌فهمه گفتند الدُّنیا مَزرَعة الآخِرَة [[8]](#footnote-8)5 دنیا کشتزار آخرت است آخرت دروگاه است.دنیا یعنی چه دنیا؟این زمین؟این در و دیوار؟ این خانه؟ این فرش؟اینها دنیاست؟اینها که چیزی نیست خدا اینها را خلق کرده اینها که دنیا نیست خانه است فرشه سیمانه آهنه آجره دنیا چیه؟دنیا اون حالت انسان قبل از مرگه.حالت قبل از مرگش دنیاست حال بعد از مرگش آخرته در این دنیا تعلقات دنیاست نه خود اینها.خانه دنیا نیست فرش دنیا نیست تجارتخانه دنیا نیست تعلق دلبستگی این دنیاست دلبستگی به هر چه دارد اون دنیاشه. ولذا کسی خانه داشته باشد دلبسته نیست دنیا نداره به اون کیفیت نیست.این آخرت طلبه اما کسی که دلبسته است به این خانه اش به این ماشین اش به لباسش دلبستگی دارد این دنیاست وقتی که دم مرگ که رسید ازش بگیرند اونوقت تمام معشوق ها را از عاشق می‌گیرند جدا شدن عاشق از معشوق سوز و گدازها دارد سوختن ها دارد عاشق از معشوق جدا بشود می‌سوزد می‌گدازد ولذا کسانی که تعلق دارند به این قلبشان اینها عاشق هستند عاشق خانه است عاشق ماشین و فرش و عاشق این تجارتخانه دم مردن ازش می‌گیرند هرچه معشوق بوده ازش می‌گیرند این می‌سوزد این الی الابد می‌سوزد تا خدا خدایی دارد این آدم می‌سوزد برای اینکه تعلق داشته دلبستگی داشته دلبستگی غیر خدا سوز و گداز دارند چون همه می‌روند غیر خدا هر چه که هست فانیه از آدم می‌گیرند خب وقتی که گرفتند می‌سوزد دیگه عاشق بوده دیگه پنجاه سال شصت سال هفتاد سال عشق بازی کرده با اینها وقتی که می‌میرد اینها را ازش می‌گیرند اما اون کسی که تعلق به خدا دارد او دیگه سوز و گداز ندارد او فنا ندارد او معشوقی ست که همیشه باقیه اون محبوب ابدیه هیچوقت از عاشقش جدا نمی‌شود ولذا هیچوقت تعلق به خدا سوز و گداز ندارد سوز و گداز عذاب مال اون کسیه که به دنیا تعلق دارد دلبستگی دارد ولذا جامع ترین جمله دربارۀ بهشتی ها جمله ای راجع به بهشتی ها داره راجع به جهنمی ها داره ولی به جهنمی ها داره که حِیلَ بَینَهُم وَ بَینَ ما یَشتَهُونَ[[9]](#footnote-9)1 موقع مرگ چه میشه؟موقع مرگ از همۀ اونچه که دلبخواهش بوده جدا می‌شود حایل می‌شود مرگ میان این با اون مشتهیاتش هر چه درش بوده جدا میشه گفتیم که جدایی سوختن دارد جدایی از معشوقه دیگه اما بهشتی ها چی؟ وَ هُم فِی مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُم[[10]](#footnote-10)2 هر چه اونجا دلشون میخواد هست چون خدا را دارند چون محبوب خداست چون که صد آمد نود هم پیش ماست خدا که هست همه چیز هست دیگه اونجا خدا دارند پس همه چیز دارند بهشتی ها هیچوقت جدایی از معشوق ندارند سوز و گداز ندارند همه اش رحمت است و کرمه این جمله در قرآن کریم واقعا جملۀ جامع عجیبیه حِیلَ بَینَهُم وَ بَینَ ما یَشتَهُونَ میان اونها و اونچه میخواستند حایل حاصل می‌شود می‌سوزند اما از اون طرف وَ هُم فِی مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُم در بهشت اونچه دلشان بخواد هست این فرق میان عاشق دنیا و غیر عاشق دنیا. پس دنیا گفتیم تعلقه خود این زمین و اینها که دنیا نیست که تعلق دلبستگی به هرچه دارد اون.اگر به خدا دارد خوشا به حالش همیشه غرق در رحمت و بهجته اگر غیر خدا را دارد بدا به حال او.همین که مرگ آمد الی الابد در سوز و گدازه الدُّنیا مَزرَعة الآخِرَة ولذا ولی اونچه که ما کمبود داریم باور نداریم علم داریم اعتقاد هم داریم باور نداریم می‌دانیم عالمیم می‌دانیم مرگی هست و برزخی هست و محشری هست اینها را می‌دانیم اعتقاد هم داریم میگیم بله هست بهشت هست جهنم هم هست شکی درش نیست چون خدا هست اون هم هست اما باور نداریم مسئلۀ باور غیر علم و اعتقاده.علم و اعتقاد مسئله ایست که ما غالبا داریم اما باور بسیار کم داریم یکی از آقایان علما دیدند مثلی می‌زند می‌گوید که ما هیچ ممکن نیست در شب در یک خانه ای در یک اتاقی با میت بخوابیم میتی مرده ای هست و ما اونجا بخوابیم خانه خلوت و اتاق خلوت نمی‌خوابیم با اینکه می‌دانیم اون میت است مرده است اون حس و حرکت ندارد ازش کاری بر نمیاد که بلند بشود ما را خفه کند مثلا اگر خواب هم ببینه اندکی چرت بزنه اون را در خواب می‌بیند میبینه میت بلند شده و او را دارد خفه می‌کند با اینکه علم دارد و می‌داند که او مرده است اعتقاد هم دارد که هیچ حس و حرکتی ازش نمیاد در عین حال می‌ترسد چرا؟ چون باورش نشده اما از آنطرف اون مرده شور اون چون روزی صدها مرده را شسته و دفن کرده او عادی شده براش چون تکرار عمل شده براش دیگه باور شده ولذا توی قبرستان تنها میخوابه شب تنها در قبرستانی که صدها هزاران مرده هستند میخوابه باکش هم نیست خواب خوش هم می‌بیند خب چرا؟فرق او با ما چیه؟چرا اون مرده شور در بین صدها مرده می‌خوابد ولی من با یک مرده در یک اتاق نمی‌خوابم در عین حال که علم دارد منم علم دارم او اعتقاد دارد منم اعتقا دارم او باور دارد که من باور ندارم باور تکرار عمل میخواد آقایان جوانان عزیز و محترم تکرار عمل.اونچه که دستورات داده اند به ما همون ها را که به نظر ما خیلی موثر نمی‌شود اونها را عمل کنیم کم کم اون ملکۀ باور در ما پیدا می‌شود باورکه شد خیلی مسئله ایه چون همۀ ایمان باوره دیگه.علم و اعتقاد غیر ایمان است علم داریم اعتقاد داریم ولی ایمان نداریم.باورمان نشده مطلب.چون نشده اینه دیگه.ولذا عمده همینه فرمود که مراقب باش از اونها نباش که آخرت طلبند به قول خودشان اما عمل نمی‌کنند و هفتۀ پیش هم عرض شد که این عمل هم همش عمل بدنی نیست که این بدن کار کند هی سجده کند حج برود اینها عمل بدنیه خیلی ارزش نداره اون عملی درست است و موثر که مولود قلب باشه از اون انگیزۀ قلبی برخیزد اون عمده است هفتۀ پیش عرض شد که ریاکار مثل زدیم ریاکار عملش خوبه دیگه بد عملی نیست که خیلی خوبه اما قلب چون معیوبه ناقصه این عبادت ریاکارانه از اون عمل قلب بر نمی‌خیزد این بهشتی نیست جهنمی است یعنی با همین نماد جهنم میره با عمل خوبی که انجام میده جهنم میره حالا نماز خوان هم باشه بنده اینجا حرف می‌زنم اگر بخوام که مردم توجه و تعریف کنند خب این ریا میشه این منبر جهنم می‌سازد نه بهشت. عملی مقبول هست که از قلب چون حقیقت انسان قلب آدمه بدن که انسان نیست بدن ابزار کاره مدتی کار می‌کند بعد کهنه میشه میریزه دور خودش در برزخ یک بدن دیگر بهش میدن این بدن که خب همیشه در حال تحلله همش از بین میره دیگه از هر هشت سالی یکبار بدن عوض میشه تمام بدن عوض میشه یه بدن دیگست اینی که الان من دارم در بیست سالگی دارم این اون نیست که.اون از بین رفته پوسیده شده بدن دیگری آمده جاش من با اون بدن کار می‌کنم هی کم کم می‌پوسه از کار هم می‌افتد از کار افتاد من خودم هستم مثل نجار با تیشه.تیشه کند شده نجار که هست تیشه را عوض می‌کند.ما همینجوریم ما خودمان هستیم این بدن از کار افتاده اونجا که رفتن یک بدن دیگری بهش میدن پس حقیقت انسان قلب انسانه نه این بدن.بدن کارش هم ارزش نداره کار قلب ارزش داره حقیقت قلب است ولذا قرآن میگه قلب سلیم بهشتیه یَومَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ \* إِلَّا مَن أَتَی اللهَ بِقَلبٍ سَلِیمٍ[[11]](#footnote-11)1 اونی که با قلب سلیم آمده او بهشتیه.قلب سلیم یعنی انسان بکوشد قلب را در این دنیا قلب سالم کند از بیماری ها که عمده اینه که ما بهش توجه نداریم خیلی فشار مردم روی همین عمله عمل بدنی خیلی فشار روی همینه مقدس ها غالبا روی همین کار می‌کنند که نماز مستحبی بخوانند و شب زنده دار باشند و اینها را دارند اما قلب را توجه ندارند که قلب آلوده است قلب بُخل دارد بیماری بخل دارد بیماری حسد دارد بیماری حرص دارد بیماری سوء خلق دارد اینها را دارد دیگه اینها بیچاره می‌کند این قلب سلیم نیست اگر با این بیماری ها برود جهنمیه خب قرآن میگه که نمیشه یَومَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ \* إِلَّا مَن أَتَی اللهَ بِقَلبٍ سَلِیمٍ قلب سالم شدۀ از این بیماری ها اونجا دار السلامه بهشت.دار السلام بیمار ها رو اونجا راه نمیدن که. نفس مزکی می‌خواهد تزکیه بشه پاک بشه از آلودگی ها تا رشد کند چون کلمۀ زکات و تزکیه هم درش پاک شدن هست هم رشد کردن آدم مالشو زکات میده این مال هم پاک میشه و هم رشد میکنه نفس آدم هم باید همینجور باشه پاک بشه از آلودگی ها بعد رشد کند صعود کند إِلَیهِ یَصْعَدُ الکَلِمُ الطَّیِّب[[12]](#footnote-12)1 باید این بالا برود باید با خدا ارتباط داشته باشیم نه با این خانه و گچ و سیمان و اینها. با خدا این کلمۀ طیب یعنی پاکیزه عجیبه که در قرآن کریم اونهایی که اهل تحقیقند گفته اند که ما دلیل نداریم در قرآن این همه قسم های متعدد برای یک مطلب خورده میشه خدا زیاد قسم داره در قرآن میخوره خب یک قسم دو قسم سه قسم چهار قسم اینها هست ولی روی یک مطلب یازده بار قسم خورده در سورۀ شمس وَ الشَّمسِ وَ ضُحَاهَا \* وَ القَمَرِ إِذَا تَلَاهَا \* وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا \* وَ اللَّیلِ إِذَا یَغْشَاهَا \* وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا \* وَ الأرضِ وَ مَا طَحَاهَا \* وَ نَفسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَأَلهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقوَاهَا بعد از یازده قسم هست قسم به خورشید قسم به روز قسم به شب قسم به جان آدم آخر قَد أَفْلَحَ مَن زَکَّاهَا قاطعیت داره قرآن دیگه قَد أَفْلَحَ مَن زَکَّاهَا مسلم اون کسی رستگار است که تزکیه کرده از آلودگی ها پاکش کرده این جان خودش را پاک شده اینه فلاح و رستگاری وَ قَد خَابَ مَن دَسَّاهَا بدبخت خواهد شد ناکام اون کسی که آلوده کرده آورده اینجا اون کسی که این جان را آلوده کرده آورده اینجا جهنمیه فلاح و رستگاری مال مزکی است تزکیه. متاسفانه توجه به اینها نمی‌کنیم پیغمبر اکرم برنامه اش سه برنامه داره لَقَد مَنَّ اللهُ عَلَی المُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِیهِم رَسُولاً مِن أَنفُسِهِم یَتلُو عَلَیهِم آیِاتِهِ وَ یُزَکِّیهِم وَ یُعَلِّمُهُمُ الکِتَابَ وَ الحِکْمَةَ[[13]](#footnote-13)2 سه برنامه تلاوت قرآن. تلاوت می‌کند قرآن را.پیغمبر می‌فرماید بعد تعلیم کتاب و حکمت می‌کند حقایق را نشان میده احکام را نشان میده بعد تزکیه می‌کند فرمود که تزکیه بشوند پاک بشوند هدف اصلی تزکیه است با اینکه تعلیم مقدم بر تزکیه است در جهت سیر طبیعیش اما چون خیلی ارزشمند است تزکیه را جلوتر از تعلیم ذکر کرده یُزَکِّیهِم این سه برنامه تلاوت قرآن، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه.متاسفانه ما اون اولی را خوب گرفتیم تلاوت خیلی ها تلاوت می‌کنند خب خوشحال هم هستیم قرآن در مردم راه پیدا کرده و در جوانها و در دانشگاه ها همه جا قرآن خب خوبه این اما همین اول ایست کرده ایست کردن درست نیست قرآن خواندن بسیار خوبه اما ایست نکند جوری نگیم که بچه ها خیال کنند که از اول تا آخر همینه قرآن حفظ کنند همین که حفظ کردند به کمال رسیده اند! در حالی که این برنامۀ پیغمبر اولشه تلاوت بعدش تعلیم کتاب و حکمت بعدش تزکیه. اینجا کمه تلاوت داریم قاریان مفصل فراوان داریم داخلی خارجی فراوان داریم تعلیم هم زیاد داریم حوزه های علیمه خب بحمد الله تعلیم دارند کتاب و حکمت را.اونی که کم داریم در همه جا تزکیه است در همه جا تزکیه کم داریم نه تنها در قاریان قرآن حتی در میان علما اونها که تعلیم کتاب و حکمت می‌کنند تزکیه کم داریم مزکی شده باشد از حب دنیا و جاه و مقام و شهرت و از اینها پاک شده باشه این تزکیه کمه در میان طبقات همینجوره. در همۀ طبقات اونی که کم داریم تزکیه کم داریم. اینه که قرآن میگه قَد أَفْلَحَ مَن زَکَّاهَا قسم می‌خورد یازده قسم و بعد هم اینه که برنامۀ کار پیغمبر تزکیه است. ما نمی‌خواهیم همون برنامۀ اول را می‌گیریم خوشحال می‌شویم قاری قرآن هستم مفسر قرآن هستم خوب می‌خوانم لحن خوبی دارم و اینجوریه دیگه در حالی که برنامه این نیست هدف اصلی گم شده. ولذا چقدر در خانواده های ما مسلمانند دیگه.در دین قدم اول مردم لنگند مسلمانها همین شیعه های محبین امیر المومنین همین ها که زیارت می‌روند سینه می‌زنند همین ها افرادی که حسن خلق داشته باشند قدم اول مسلمانه خوش برخورد باشه با زن و بچه اش اذیت نکند نیش زبان نزد چه زن به شوهرش چه شوهر به زنش.سوء خلق در خانواده ها زیاد است بد خلقی حالا عجیبه در این تلویزیون گاهی بنده می‌بینم من ندیدم فیلمی که در اون ادب باشد و احترام باشد و محبت باشد همش گلاویزی و پرخاش کردن هست و همدیگر را زدن و همینطوره.همینجور می‌زنند پرخاش می‌کنند بی احترامی می‌کنند خب بچه ها یاد می‌گیرند خیال می‌کنند اسلام همینه چون حکومت اسلامیه دیگه.حکومت اسلامی هست و علما ناظر به مطلبند.بچه ها میگن همینه دیگه دین همینه که به ما نشان می‌دهند بی ادبی بی حرمتی به والدینشان زن به شوهر شوهر به زن. سوء خلق قدم اول را مسلمانها ندارند در زندگی اشان تا برسه به بیرونشان به کسب و کارشان به سیاستشان در حالی که فرموده اند بد خلقی إِنَّ سُوءَ الخُلقِ لَیُفْسِدُ العَمَل کَمَا یُفْسِدُ الخَلُّ العَسَلَ [[14]](#footnote-14)1 همانطور که سرکه عسل را فاسد می‌کند بدخلقی ایمان را فاسد می‌کند.عمل خوب را فاسد می‌کند حالا این زن ها عمل خوب داشته باشند مردها فرق نمیکنه هی ختم انعام بگیرند زیارت عاشورا بخوانند و هی ذکر بگویند و نماز مستحبی بخوانند و از اون طرف بدخلقی.خود این حدیث میگه فاسد میکند اصلا این بدخلقی همه را فاسد می‌کند زیارت عاشورا فاسد میشه ختم انعام فاسد میشه نماز و روزه اش فاسد میشه دین جدید آوردیم واسه خودمون ما دیندار کم داریم چون دین شناس کم داریم.چون دین شناس کم داریم دیندار واقعی کم داریم سوء خلق در خانواده ها فراوان هست.کسی به پیغمبر اکرم گفت که فلان زن خیلی زن مومنیه مقدسیه شب ها شب زنده داره روزها روزه داره اما فقط عیبی که دارد زبانش بده تنده همسایه ها را اذیت می‌کند فرمود که لَا خَیرَ فِیها هِیَ مِن اَهل النَّار این جهنمیه.همین زن خوبی که نماز مستحبی می‌خواند روزه ها مستحبی می‌گیرد اما چون بد زبان است با زبانش نیش می‌زند اصلا خیر درش نیست این جهنمیه ما نباید یاد بگیریم از قرآن و بیان معصومین؟خب هدف همینه دیگه که دور هم جمع میشیم همین است که هم آیات قرآن را هم بیانات معصومین را حالا بهرحال یه قدری طول کشید.حالا بعد فرمودند بهرحال شما دعا کنید که خداوند قلب سلیم به همۀ ما عنایت کنه ان شاء الله قلب مزکی به ما عنایت کنه ان شاء الله تا نرفتیم از این دنیا قلب ما با سلامت و با تزکیه از دنیا برویم ان شاء الله

به حرمت امام عصر در فرجش تعجیل بفرما

حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

رحم الله من قرء فاتحة مع الصلوات

1. . نهج البلاغه، حکمت 150 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سورۀ انشقاق، آیۀ 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. 1. نهج البلاغه، خطبه 114 [↑](#footnote-ref-3)
4. 1. سورۀ انسان، آیۀ 20 [↑](#footnote-ref-4)
5. 2. سورۀ انشقاق، آیۀ 6 [↑](#footnote-ref-5)
6. 3. نهج البلاغه، خطبه 203 [↑](#footnote-ref-6)
7. 4. بحار الانوار، جلد 38، صفحه 321 [↑](#footnote-ref-7)
8. 5. عوالی اللآلی، جلد 66، صفحه 267 [↑](#footnote-ref-8)
9. 1.سورۀ سبأ، آیۀ 54 [↑](#footnote-ref-9)
10. 2. سورۀ انبیاء، آیۀ 102 [↑](#footnote-ref-10)
11. 1. سورۀ شعراء، آیات 88 و 89 [↑](#footnote-ref-11)
12. 1. سورۀ فاطر، آیۀ 10 [↑](#footnote-ref-12)
13. 2. سورۀ آل عمران، آیۀ 164 [↑](#footnote-ref-13)
14. 1.بحار الانوار، ج 70، ص 296 [↑](#footnote-ref-14)